

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم «سیدجمال الدین اسدآبادی» «امام خمینی(ره) در مصاحبه با ریچارد کاتم» ریچارد کاتم در پایان دیدار خود با امام خمینی گفت: سؤالی درباره شخصیت سید جمال الدین اسدآبادی دارم؛ آیا شما او را شخصیت برجسته ای می‌دانید؟ امام خمینی در پاسخ وی فرمود: «سید جمال الدین مرد لایقی بوده است، لکن نقاط ضعفی هم داشته است؛ و چون پایگاه ملی و مذهبی در بین مردم نداشته، از آن جهت زحمات او با همه کوششها، به نتیجه نرسید؛ و دلیل بر اینکه پایگاه مذهبی نداشته است، اینکه شاه وقت، او را گرفت و با وضع فجیع، تبعید کرد؛ عکس العملی نشان داده نشد؛ و زحمات او، چون این پایگاه را فاقد بود، به نتیجه نرسید». پس از پایان گفتگو، امام مجدداً کاتم را تشویق کرد که مطالعات خود را در مورد جنبش اسلامی ایران ادامه دهد و حقایق را منتشر سازد. منبع: صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۸۶ مقام معظم رهبری در بخشی از مصاحبه خود با روزنامه جمهوری اسلامی در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ در مورد سید جمال الدین اسدآبادی فرمودند: «سید جمال کسی بود که برای اولین بار بازگشت به اسلام را مطرح کرد کسی بود که مسئله حاکمیت را و خیزش و بعثت جدید اسلام را اولین بار در فضای عالم به وجود آورد. او مطرح کننده، به وجود آورنده و آغازگر بازگشت به حاکمیت اسلام و نظام اسلام است. این را نمی‌شود دست کم گرفت و سید جمال را نمی‌شود با کس دیگری مقایسه کرد. در عالم مبارزات سیاسی، او اولین کسی است که سلطه استعماری را برای مردم مسلمان آن زمان معنا کرد قبل از سید جمال چیزی به نام سلطه استعماری برای مردم مسلمان حتی شناخته شده نبود. او کسی بود که در ایران، در مصر، در ترکیه، در هند، در اروپا کلاً در خاورمیانه در آسیا و در آفریقا سلطه سیاسی مغرب زمین را مطرح کرد و معنا کرد و مردم را به این فکر انداخت که چنین واقعیتی وجود دارد و شما می‌دانید آن زمان، آغاز عمر استعمار بود چون استعمار در اول نشرش در این منطقه اصلاً شناخته شده نبود و سید جمال اولین کسی بود که آن را شناساند. این‌ها را نمی‌شود دست کم گرفت. مبارزات سیاسی سید جمال چیزی است که قابل مقایسه با هیچ یک از مبارزات سیاسی افرادی که حول و حوش کار سید جمال حرکت کردند نیست.» مقام معظم رهبری در سخنرانی خود در ۳ خرداد سال ۱۳۶۹ در خصوص سید جمال‌الدین اسدآبادی چنین فرمودند: «مصلحان اسلامی و متفکرانی که در ۱۵۰ سال گذشته، تحت تأثیر عوامل گوناگون قیام کرده و پرچم دعوت اسلامی و احیا و تفکر اسلامی را بر دوش گرفتند؛ از قبیل سید جمال‌الدین و محمد اقبال و دیگران. با همه خدمات ارجمند و گران‌بهایشان، همگی این نقص بزرگ را در کار خود داشتند که به جای برپا کردن یک انقلاب اسلامی، به یک دعوت اسلامی اکتفا کردند و اصلاح جوامع مسلمان را نه با

قوت و قدرت انقلاب که با تلاش روشنفکرانه و فقط با ابزار قلم و زبان جست‌وجو کردند. این شیوه، البته ممدوح و مأجور بوده و هست؛ اما هرگز از آن، توقع نتایجی همچون نتیجه عمل پیامبران اولوالعزم را که سازندگان مقاطع اصلی تاریخ بوده‌اند نباید داشت. کار آنان، در صورت صحت و مبرا ماندن از عیوب سیاسی و نفسانی، تنها می‌توانست زمینه‌ساز یک حرکت انقلابی باشد و نه بیشتر؛ و لذا مشاهده می‌شود که سعی و تلاش بی‌حد و حصر مخلصان این گروه، هرگز نتوانسته حرکت معکوس و روبه انحطاط ملل مسلمان را متوقف کند، یا عزت و عظمتی را که آنان از آن نام می‌آورده و در آرزویش آه و اشک می‌افشانده‌اند، به مسلمانان برگرداند و یا حتی اعتقاد و باور اسلامی را در توده‌های مردم مسلمان تقویت کرده و نیروی آنان را در خدمت آن به کار گیرد و یا دامنه جغرافیایی اسلام را گسترش دهد؛ و این، به کلی از روش پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) جدا است و این بر هر کس که اندکی تاریخ بعثت و هجرت رسول معظم (ص) را بداند، آشکار است. «سید جمال‌الدین خطبه دوم نماز جمعه ۱۵ بهمن ۸۹ نیز به نقش بزرگ سید اشاره کردند و فرمودند: «سید جمال‌الدین بزرگ، آن مرد اسلام‌خواه، شجاع، مبارز، بزرگ، بهترین جائی را که برای مبارزات خود توانست پیدا کند، مصر بود؛ بعد هم شاگردان او، محمد عبده و دیگران و دیگران. حرکات اسلام‌خواهی در مصر یک چنین سابقه‌ای دارد.» شهید مطهری نیز درباره سید در کتاب بررسی نهضت‌های اسلامی در صد ساله ی اخیر می‌فرمایند: «بدون تردید سلسله جنبان نهضت‌های اصلاحی صد ساله ی اخیر، سید جمال‌الدین اسدآبادی معروف به افغانی است. او بود که بیدار سازی را در کشورهای اسلامی آغاز کرد، دردهای اجتماعی مسلمین را با واقع بینی خاصی بازگو نمود، راه اصلاح و چاره جویی را نشان داد. نهضت سید جمال، هم فکری بود و هم اجتماعی. او می‌خواست رستاخیزی هم در اندیشه ی مسلمانان به وجود آورد و هم در نظامات زندگی آنها. سید جمال در نتیجه ی تحرک و پویایی، هم زمان و جهان خود را شناخت و هم به دردهای کشورهای اسلامی □ که داعیه ی علاج آنها را داشت دقیقاً آشنا شد. سید جمال مهمترین و مزمن ترین درد جامعه ی اسلامی را استبداد داخلی و استعمار خارجی تشخیص داد و با این دو به شدت مبارزه کرد. آخر کار هم جان خود را در همین راه از دست داد. او برای مبارزه با این دو عامل فلج کننده، آگاهی سیاسی و شرکت فعالانه ی مسلمانان را در سیاست واجب و لازم شمرد و برای تحصیل مجدد عظمت از دست رفته ی مسلمانان و به دست آوردن مقامی در جهان که شایسته ی آن هستند، بازگشت به اسلام نخستین و در حقیقت حلول مجدد روح اسلام واقعی را در کالبد نیمه مرده ی مسلمانان، فوری و حیاتی می‌دانست. بدعت زدایی و خرافه شویی را شرط آن بازگشت می‌شمرد، اتحاد اسلام را تبلیغ می‌کرد و دست‌های مرئی و نامرئی استعمارگران را در نفاق افکنی‌های مذهبی و غیر مذهبی می‌دید و رو می‌کرد.» {پنج شنبه یک تیر ۹۱} در حسینیه سیدالشهدای خیابان ملک الشعرا ی بهار تهران مراسم شب هفت مرحوم حاج احمد قدیریان {علیرضا پناهیان : «.....یه آدم ندید بدید هم مثل سید جمال‌الدین اسدآبادی پیدا میشه میگه من تو غرب اسلام دیدم مسلمون ندیدم تو شرق مسلمون دیدم اسلام ندیدم....» چون سید

جمال را یک فرد غرب زده می دانم رسالت خود می دانم که به او توهین کنم!! چندی پیش دکتر فیاض استاد جامعه شناسی دانشگاه تهران در برنامه زنده تلویزیونی «زاویه» که از شبکه ۴ پخش می شود در خصوص این جمله چنین گفت: این بدترین نوع تعبیر غرب گرایی است که یک نفر «سید جمال اسد آبادی» می تواند داشته باشد _____ سلام

علیکم. استاد جان؛ سخنرانی استاد رحیم پور ازغدی در اسدآباد همدان سال ۱۳۹۰" دیده بانی در شهر کوران" که مفصل است و بیان کردن تمام آن خارج از حوصله است می فرمایند: (سیدجمال الدین حسینی اسد آبادی پدر بیداری اسلامی است و به نحوی بر تمام جنبش های اصلی اسلامی تاثیر گذاشته اند) بنظر استاد عزیزم، این کلام صحیح است؟ به نحوی که ایشان بیان می دارند حتی امام (ره) از ایشان تاثیر پذیرفته اند! خداوند خیرتان بدهد بخاطر این حوصله و صبر. و ان شاءالله روز افزون گردد. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: امثال حضرت امام و مقام معظم رهبری نظر به جایگاه تاریخی جناب سیدجمال الدین اسدآبادی دارند، چیزی که جناب آقای دکتر مهدی امامی جمعه در سلسله بحث های «تفکر معاصر در ایران» به نحو شایسته ای به آن پرداخته اند. لذا اگر در این نگاه به آن سخن مشهور جناب سیدجمال الدین نظر کنیم، معنای آن با آنچه عزیزانی مثل آقای پناهیان در نظر گرفته اند، متفاوت خواهد شد. زیرا سید در آن جمله می خواهد جهان اسلام را متذکر کند که چه نشسته اید که سخت خطر عقب افتادن از غرب شما را تهدید می کند و به هیچ وجه نمی خواهد ارزش های غربی را اصالت دهد، بلکه می خواهد ما با عقل غربی و عقل تکنیکی در حوزه ی اسلامی خودمان به امورات خود بپردازیم و اهداف متعالی خود را شکل دهیم. این جا است که می بینید ما همواره نیاز داریم که هر سخنی و هر حرکتی را در جایگاه تاریخی آن در نظر بگیریم. موفق باشید